

## رابطه‌ی بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده

محمدسجاد صیدی<sup>۱</sup>، تقی پوراابراهیم<sup>۲</sup>، فاطمه باقریان<sup>۲</sup>، لادن منصور<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به دنبال تعیین نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط در خانواده در رابطه بین معنویت خانواده و تاب‌آوری آن بود. به همین منظور تعداد ۳۹۸ نفر از والدین دانش‌آموزان کرمانشاهی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده این پژوهش عبارت از مقیاس سنجش تاب‌آوری خانواده، مقیاس ارتباط خانواده، مقیاس تقدس ازدواج، مقیاس تقدس والدگری بودند. برای تحلیل داده‌ها، از همبستگی پیرسون و رگرسیون متوالی همزمان استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان دادند که معنویت هم‌طور مستقیم ( $\beta=0.20$ ) و هم‌به‌طور غیرمستقیم ( $\beta=0.14$ ) (با واسطه کیفیت ارتباط در خانواده) پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری خانواده می‌باشد. در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که وجود جو معنوی در خانواده‌ها، بطور مستقیم و همچنین از طریق ارتقاء کیفیت ارتباط موجب تاب‌آوری و مدیریت مناسب مشکلات در خانواده‌ها می‌شود.

### واژه‌های کلیدی:

خانواده، تاب‌آوری خانواده، کیفیت ارتباط در خانواده، معنویت خانواده.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

نویسنده مسوول مقاله، sey110@hotmail.com

## مقدمه

در میان عوامل تأثیرگذار بر سلامت روانی انسان‌ها، خانواده نقش بسیار مهمی دارد. خانواده نظامی است که بیش از همه بر فرد احاطه دارد و رفتارهای او را شکل می‌دهد (مینوچین<sup>۱</sup>، ۱۹۷۴؛ ترجمه ثنایی، ۱۳۸۳). بسیاری از ناهنجاری‌های روانی و رفتاری انسان‌ها در خانواده ریشه دارد و در عین حال بسیاری از پیشرفت‌های بشر نیز از خانواده نشأت می‌گیرد (نظری، ۱۳۸۸). در طول دو دهه‌ی گذشته رشته‌های مربوط به درمان مشکلات خانواده توجه خود را از نقصها و کمبودهای خانواده به توانمندی‌های خانواده معطوف داشته‌اند (نیکولز<sup>۲</sup> و شوارتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از والش<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲) و بسیاری از تحقیقاتی که اخیراً در زمینه‌ی خانواده انجام گرفته بر این دیدگاه تمرکز دارند (اُ برین<sup>۵</sup>، و زاماستنی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). در شرایط آسیب‌زا به خصوص آسیبهای عود کننده‌ی پیچیده و پیشرونده، کارکرد خانواده و شبکه‌های حیاتی وابسته بدان ممکن است از هم گسیخته شوند. همچنان که این امر با زندگی در جنگ یا نواحی پر تعارض تجربه شده است. بنابراین، توجه به تأثیرپذیری خانواده از آسیب‌های عمده، در هر رویکرد درمانی ضروری است (والش، ۲۰۰۷).

در سالهای اخیر، رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، با شعار توجه به استعدادها و توانمندی انسان، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. عواملی که تطابق هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی را موجب گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش در این رویکرد می‌باشند. در این میان تاب‌آوری<sup>۷</sup> جایگاه ویژه‌ای بخصوص در حوزه‌ی روان‌شناسی تحولی، روانشناسی خانواده و بهداشت روان به خود اختصاص داده است (کمپل<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از جوکار، ۱۳۸۶). تاب‌آوری، توانمندی تحت شرایط تنش‌زا و همچنین در طول بحران و مصیبت تعریف می‌شود. می‌توان گفت تاب‌آوری، فرآیندی پویاست که دربرگیرنده‌ی سازگاری مثبت دریافتی از شرایط مصیبت‌بار و ناگوار است (لوتر<sup>۹</sup> و سی‌چتی<sup>۱۰</sup> و بکر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰). دو مؤلفه‌ی رایج در اغلب تعاریف تاب‌آوری وجود دارند. الف) فرد/خانواده به موقعیت ناگوار پاسخی مثبت نشان می‌دهد. ب) فرد/خانواده

- 1 . Minuchin
- 2 . Nichols
- 3 . Shwartz
- 4 . Walsh
- 5 . O'Brien
- 6 . Zamostny
- 7 . resiliency
- 8 . Campbell
- 9 . Luthar
- 10 . Cicchetti
- 11 . Becker

در این حین احساس قدرتمندی، کاردانی بیشتر، اعتماد بیشتر و رشد بالاتری دارد(سیمون<sup>۱</sup>؛ اسمیت<sup>۲</sup> و مورفی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). بنابراین تاب‌آوری علاوه بر سازگاری یا حل مسأله، شامل تغییر یا رشد رشد مثبت نیز می‌شود(والش، ۲۰۰۶؛ لاوی<sup>۴</sup>، مک کوبین<sup>۵</sup>، و پترسون<sup>۶</sup>، ۱۹۸۵).

در برابر مدل‌های عملی متمرکز بر کمبود و نقصان، رویکردهای تاب‌آور محور، استعداد و توان خانواده را برای رویارویی با چالش‌ها به کار می‌گیرند(والش، ۲۰۰۶). اما تاب‌آوری خانواده، خود می‌تواند محصول عواملی در درون و بیرون خانواده باشد. والش(۲۰۰۲) که از نظریه پردازان بزرگ تاب‌آوری خانواده به شمار می‌رود، سه فرآیند کلیدی الگوهای سازمانی<sup>۷</sup> (انسجام و انعطاف‌پذیری در خانواده)، نظام‌های باور<sup>۸</sup> (ارزشها، عقاید، نگرشهای غالب در خانواده) و فرآیندهای ارتباطی<sup>۹</sup> (فرآیند انتقال باورها، تبادل اطلاعات در بین اعضاء) را برای تاب‌آوری خانواده ذکر می‌کند. پژوهش حاضر، سعی دارد به بررسی نقش دو متغیر اخیر در تاب‌آوری خانواده بپردازد.

نظام‌های باور خانواده، با به اشتراک گذاردن باورهایی که به اعضاء برای معنادهی به موقعیتهای بحران کمک می‌کنند، تسهیل یک چشم انداز امیدوار کننده و مثبت، فراهم کردن نیت و ارزشهای معنوی و متعالی، پرورش می‌یابند. برای بدست آوردن احساس انسجام، خانواده‌ها می‌توانند با بازتعریف بحران به عنوان یک چالش مشترک که قابلیت درک و مدیریت را دارد و معنادار نیز هست، یاری شوند(آنتونوفسکی<sup>۱۰</sup> و سورانی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۶). باورهای کلیدی در تاب‌آوری خانواده می‌توانند در سه دسته سازمان داده شوند. این سه دسته شامل تلاشها برای ساختن معنایی برای مصیبت، یک دورنمای مثبت، و باورهای متعالی و معنویت هستند(والش، ۲۰۰۲).

مذهب<sup>۱۲</sup> و معنویت<sup>۱۳</sup>، با زندگی ما آمیخته شده‌اند. بسیاری از افراد، اذعان دارند که این امور نقش محوری در زندگی آنها بازی می‌کنند. معنویت را می‌توان یک جوهره‌ی الهی افراد و یک

- 
- 1 . Simon
  - 2 . Murphy
  - 3 . Smith
  - 4 . Lavee
  - 5 . McCubbin
  - 6 . Patterson
  7. organizational patterns
  8. belief systems
  9. communication Processes
  10. Antonovsky
  11. Surani
  - 12 . religion
  13. spirituality

کیفیت درونی انسانی (فیور و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از زیف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) دانست که عبارت از ارتباط با یک وجود متعالی، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی در راستای گذر از پیچ و خمهای زندگی و تنظیم زندگی شخصی بر مبنای ارتباط با وجود متعالی و درک حضور دایمی وجودی متعالی می‌باشد. این بعد وجود انسان فطری و ذاتی است و با توجه به رشد بالندگی انسان و در نتیجه انجام تمرینات و مناسک دینی متحول شده و ارتقا می‌یابد (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

معنویت به همان اندازه که فردی است، جمعی نیز هست. نظام‌های بشری مثل خانواده‌ها، جوامعی معناساز و با جهت‌گیری و زندگی خاص خود هستند. اگر فرض را بر این بگیریم که خانواده یک ارگانیزم با زندگی خاص خود است، آنگاه می‌توانیم بگوییم که خانواده دارای یک روح جمعی<sup>۲</sup> است. از این جهت تجارب معمولی انسان چه به عنوان فرد و چه به عنوان خانواده پنجره‌ای ای رو به سوی ایزد منان (اندرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹) است. بسیاری از تحقیقات اخیر، از نقش معنوی و مذهبی بودن خانواده در تاب‌آوری آن، خبر می‌دهند (دوتی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ گریف<sup>۵</sup> و لوبسر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ پین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ کوپل<sup>۸</sup> و ناچجسکی<sup>۹</sup> و مگوین<sup>۱۰</sup> و سافیر<sup>۱۱</sup> و دی وایت<sup>۱۲</sup> و مک دونالد<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۹؛ بالدوین<sup>۱۴</sup> و جکسون<sup>۱۵</sup> و آکن<sup>۱۶</sup> و کنن<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۱؛ تراواندی<sup>۱۸</sup>، و گرسی<sup>۱۹</sup>، و گیل<sup>۲۰</sup>، و مارتینس<sup>۲۱</sup>، و ونتورا<sup>۲۲</sup>، بیاراداس<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۰؛ هکبارث<sup>۱</sup>، پاوکف<sup>۲</sup>، فلنری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱).

1. Zapf
2. communal soul
3. Anderson
4. Doty
5. Greeff
6. Loubser
7. Payne
- 8 - Coyle
- 9 - Nochajski
- 10- Maguin
- 11- Safyer
- 12- DeWit
- 13- Macdonald
- 14 . Baldwin
- 15 . Jackson
- 16 . Okoh
- 17 . Cannon
18. Travado
19. Grassi
20. GIL
21. MARTINS
22. VENTURA
23. BAIRRADAS

از جمله متغیرهای مهمی که در خانواده‌های معنوی به خوبی قابل مشاهده است، کیفیت ارتباط آنها می‌باشد. سگرین<sup>۴</sup> و جین<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، ارتباط را به عنوان فرآیندی انتقالی تعریف می‌کنند که در آن افراد معنا را ایجاد کرده، به اشتراک گذاشته و تعدیل می‌کنند. حجم وسیعی از مطالعات کشف کرده‌اند که شفافیت ارتباط، برای کارکرد مؤثر خانواده ضروری است (بیورز<sup>۶</sup>، هامپسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ اپستین<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ السون<sup>۹</sup> و برنز، ۲۰۰۴). ستیر (۱۹۸۸؛ ترجمه بیرشک، ۱۳۸۸) مشاهده کرد که حتی نظر از تفاوت‌های فرهنگی، ارتباط در خانواده‌های سالم، مستقیم، شفاف، خالص و صادقانه است. چگونگی ارتباط در خانواده‌های معنوی و مذهبی نیز مورد بررسی قرار گرفته که بیشتر این پژوهشها کیفیت ارتباط بالاتر در این خانواده‌ها را مورد تأیید قرار داده‌اند (فینچام<sup>۱۰</sup>، بیچ<sup>۱۱</sup>، لمبرت<sup>۱۲</sup>، استیلمن<sup>۱۳</sup>، و بریتویت<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۸؛ لمبرت و دولهایت، ۲۰۰۶؛ ویلیامز<sup>۱۵</sup> و لاولر<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۳، روئر-استریر<sup>۱۷</sup> و سندس<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۱).

مشخصه‌ی خانواده‌های با کارکرد خوب، نبود مشکل نیست (بیورز و هامپسون، ۲۰۰۰). در زمان‌های بحران، انتقال‌ها و یا تنش‌های مزمن، ارتباطات شکننده‌تر خواهند شد و این درست وقتی اتفاق می‌افتد که ارتباط ضرورت بیشتری دارد. تبادل اطلاعات سازگار و شفاف در خانواده‌ها اغلب به تصریح واقعیت‌های حوادث آسیب‌زا و به خصوص در مورد فقدان‌های گیج‌کننده<sup>۱۹</sup> کمک می‌کند (باس<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۹). هنگامی که خطاها یا اشتباهاتی رخ می‌دهند، بروز رسانی سریع اطلاعات توسط ارتباطی شفاف و صریح، موجب کاهش ناامیدی و فرسودگی می‌شود. همچنان‌که وجود ارتباط

- 1 . Hackbarth
- 2 . Pavkov
- 3 . Flannery
- 4 . Segrin
- 5 . Geanne
- 6 . Beavers
- 7 . Hampson
- 8 . Epstein
- 9 . Olson
- 10 . Fincham
- 11 . Beach
- 12 . Lambert
- 13 . Stillman
- 14 . Braithwaite
- 15 . Williams
- 16 . Lawler
- 17 . Roer-Strier
- 18 . Sands
- 19 . ambiguous losses
- 20 . Boss

مناسب(در مدل حلقوی السون)، به ارتقاء انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده در رویارویی با مطالبات (نیازهای) تحولی و موقعیتی کمک می‌کند(السون و گورال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از اسمیت و فریمن<sup>۲</sup> و زبریسکی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). ارتباط علاوه بر اینکه از عوامل تأثیرگذار بر کارکرد خانواده محسوب می‌شود (مک‌کریری<sup>۴</sup> و دنسی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ السون، ۲۰۰۰؛ میلر<sup>۶</sup>، ریان<sup>۷</sup>، کیتنر<sup>۸</sup>، بیشاپ<sup>۹</sup>، اپستین، ۲۰۰۰)، در (۲۰۰۰)، در تاب‌آوری خانواده نیز نقشی محوری ایفا می‌کند(کشتکاران، ۱۳۸۸؛ هابر<sup>۱۰</sup> و ناوارو<sup>۱۱</sup> و وامبل<sup>۱۲</sup> و مومه<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۰؛ کویل<sup>۱۴</sup> و ناچجسکی<sup>۱۵</sup> و مگوین<sup>۱۶</sup> و سافیر<sup>۱۷</sup> و دی‌وایت<sup>۱۸</sup> و مک‌دونالد<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۹؛ والش، ۲۰۰۷).

با جمع‌بندی مطالب مطرح‌شده و با توجه به اینکه ارتباط در برخی از مطالعات(السون، ۲۰۰۰؛ زبریسکی<sup>۲۰</sup> و مک‌کرمیک<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۱) به عنوان متغیر واسطه‌ای در نظر گرفته شده است، به نظر می‌رسد که این متغیر بتواند در این مدل‌پردازی نیز نقشی واسطه‌ای ایفا کند. بنابراین هدف این پژوهش، تبیین کیفیت ارتباط در خانواده، به عنوان یک متغیر واسطه‌ای در رابطه‌ی بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن می‌باشد.

- 
1. Gorall
  2. Freeman
  3. Zabriskie
  4. McCreary
  5. Dancy
  6. Miller
  7. Ryan
  8. Keitner
  9. Bishop
  10. Huber
  11. Navarro
  12. Womble
  13. Mumme
  14. Coyle
  15. Nochajski
  16. Maguin
  17. Safyer
  18. DeWit
  19. Macdonald
  20. Freeman
  21. McCormick

## روش

## نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه‌ی آماری، خانواده‌های دانش‌آموزان در حال تحصیل در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ شامل می‌شود که در شهرستان کرمانشاه سکونت داشتند. تعداد ۳۹۸ نفر از ساکنین شهرستان کرمانشاه، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری بدین ترتیب بود که از هر یک از نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهرستان کرمانشاه، سه مدرسه (از هر مقطع، یک مدرسه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. بسته به مقطع تحصیلی، از هر پایه یک کلاس (ابتدایی، پنج کلاس؛ راهنمایی، سه کلاس؛ و دبیرستان، سه کلاس) به طور تصادفی انتخاب شدند. پس از ارائه توضیحات لازم، پرسشنامه‌ها بین همه‌ی دانش‌آموزان هر کلاس توزیع شدند تا پرسشنامه‌ها را برای تکمیل به یکی از والدین خود تحویل دهند.

## ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های مقیاس سنجش تاب‌آوری خانواده (سکسیبی، ۲۰۰۵) برای اندازه‌گیری تاب‌آوری خانواده؛ مقیاس ارتباط خانواده (السون و برنز، ۲۰۰۴)، برای اندازه‌گیری کیفیت ارتباط در خانواده و جمع نمرات دو مقیاس تقدس ازدواج (ماهانی و همکاران، ۱۹۹۹) و تقدس والدگری (ماهانی و همکاران، ۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری معنویت خانواده استفاده شد.

## مقیاس سنجش تاب‌آوری خانواده (FRAS)

متغیر درون‌زاد در این پژوهش تاب‌آوری خانواده بود. این متغیر به وسیله‌ی مقیاس سنجش تاب‌آوری خانواده (سکسیبی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) اندازه‌گرفته شد. این مقیاس ۶۶ آیتمی، برای اندازه‌گیری میزان تاب‌آوری خانواده که خانواده در شش بعد از خود نشان می‌دهد ساخته شده است که این شش بعد عبارت از ارتباط خانواده و حل مسأله<sup>۲</sup>، کاربرد منابع اقتصادی و اجتماعی<sup>۳</sup>، تثبیت یک چشم‌انداز مثبت<sup>۴</sup>، تماس (مرز) خانواده<sup>۵</sup>، معنویت خانواده<sup>۶</sup>، و توانایی معناسازی برای مصیبت<sup>۷</sup> است. این ابزار یک مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرتی را به کار می‌برد که ۱ به منزله‌ی بشدت مخالف و ۴ بشدت موافق می‌باشد. نمره‌های این مقیاس در طیفی از حداقل ۶۶ تا حداکثر ۲۰۴ قرار می‌گیرند.

1. Sixbey
2. family communication and problem solving<sup>۱</sup>
3. utilizing social and economic resources
4. maintaining a positive outlook
5. family connectedness
6. family spirituality
7. ability to make meaning of adversity

نمره‌ی بالا در این مقیاس، نشان‌دهنده‌ی تاب‌آوری بالای خانواده و کسب نمره‌ی پایین نشان‌دهنده‌ی این است که خانواده سطح پایینی از تاب‌آوری را دارا می‌باشد. در پژوهش سیکسی (۲۰۰۵) نمره‌ی کل پایایی مقیاس ۰/۹۶ و همچنین روایی ملاکی همزمان با ابزار سنجش خانواده<sup>۱</sup> نسخه‌ی ۱ (FAD)، و ابزار سنجش خانواده نسخه‌ی ۲ (FAD) و شاخص معنای شخصی<sup>۳</sup> (PMI)، خوب ارزیابی شد. در پژوهش حاضر پایایی ابزار فوق‌الذکر با روش آلفای کرونباخ در کل ۰/۹۲ محاسبه گردید.

#### مقیاس ارتباط در خانواده<sup>۴</sup> (FCS)

مقیاس ارتباط در خانواده، بر مبنای نسخه‌ی ۲۰ آیتمی مقیاس ارتباط والد-فرزند<sup>۵</sup> (PACS)، (برنز و السون، ۱۹۸۵) ساخته شد (السون و برنز، ۲۰۰۴). مقیاس ارتباط در خانواده از ۱۰ آیتم تشکیل شده است که ابعاد مختلف ارتباط در خانواده را اندازه می‌گیرند. این ۱۰ آیتم با یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی اندازه گرفته می‌شوند که ۱ با عبارت کاملاً مخالفم و ۵ با عبارت کاملاً موافقم همراه است. مقیاس ارتباط خانواده، جنبه‌های مثبت ارتباط خانواده را با تأکید بر جریان تبادل آزادانه اطلاعات، هم‌عینی و هم‌هیجانی را اندازه می‌گیرد. این مقیاس میزانی از احساس عدم اجبار و رضایت را که اعضای خانواده از ارتباط با خانواده شان دارند را می‌سنجد. نمره‌ی بالا در این مقیاس نشان‌دهنده‌ی کارکرد ارتباطی بالا در خانواده است. السون و برنز (۲۰۰۴) سطح انسجام درونی آزمون فوق را برای یک نمونه‌ی ملی قابل قبول ( $\alpha=0/88$ ) و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۸۶ ارزیابی کردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۰ به دست آمد.

#### مقیاس تقدس ازدواج<sup>۶</sup>

مقیاس تقدس ازدواج یک مقیاس ۱۲ آیتمی است که دارای گزاره‌هایی مثل "من احساس می‌کنم که خداوند در ازدواج ما حضور دارد" می‌باشد. پاسخ دهندگان برای هر آیتم گزینه‌های انتخابی از قویاً مخالف (۱) تا قویاً موافق (۷) پیش روی دارند. آلفای پایایی برای این مقیاس در مطالعه‌ی دی مریس<sup>۷</sup> و ماهانی و پارگمنت (۲۰۱۰)، ۹۸ درصد برای هر دو همسر گزارش شد. در بررسی که توسط توسط ماهانی و همکاران (۱۹۹۹) بر روی ۹۷ زوج که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، صورت

1. family assessment device
2. family assessment device 2
3. personal meaning index
4. Family communication Scale
5. Parent-Adolescent Communication Scale
6. Sanctification of Marriage Scale
7. DeMaris



گرفت آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد. روایی محتوایی این ابزار پس از برگردان به فارسی، مورد تأیید چند تن از اساتید قرار گرفت. پایایی با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ محاسبه شد.

### مقیاس تقدس والدگری

تقدس در والدگری با دو خرده مقیاس اصلاح شده‌ی ابزاری که توسط ماهانی و همکاران (۱۹۹۹) طراحی شده است اندازه گرفته می‌شود و شامل دو بخش خداپرستانه<sup>۱</sup> و غیر خداپرستانه<sup>۲</sup> می‌باشد. هر یک از این آیتم‌ها با یک مقیاس ۷ نقطه‌ای طیف لیکرتی درجه بندی شده‌اند که این درجه بندی از ۱ (قویاً مخالف) تا ۷ (قویاً موافق) می‌باشد. آیتم‌های این مقیاس دو خرده مقیاس کیفیت‌های روحانی و جلوه‌ی خداوند در والدگری را پشتیبانی می‌کنند. خرده مقیاس کیفیت‌های روحانی والدگری که از ۱۰ آیتم تشکیل شده است، گستره‌ای که والدین فرزندشان و تجربه والدگیشان را مقدس، روحانی، مذهبی و معنوی توصیف می‌کنند، می‌سجد. خرده مقیاس جلوه‌ی خداوند در والدگری تشکیل شده است از ۱۰ آیتم که درجه‌ای را که مادران و پدران والدگری را به عنوان جلوه‌ای از تصاویر، باورها یا تجربه‌هایشان از خداوند تجربه می‌کنند، اندازه می‌گیرند (لی‌روی<sup>۳</sup>، روی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). اسوانک و همکاران (به نقل از ماهانی و پارگمنت، اسوانک و اسوانک، ۲۰۰۳) روایی همگرای این مقیاس را با مقیاس مذهب جهانی<sup>۴</sup> و همچنین ویژگی‌های مقدس<sup>۵</sup> تأیید کردند. ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ در پژوهش اسوانک و همکاران (۲۰۰۰) ۰/۷۴ و در پژوهش لی روی (۲۰۰۹) به ترتیب برای پدران ۰/۷۹ و برای مادران ۰/۷۰ محاسبه شد. روایی محتوایی این ابزار پس از برگردان به فارسی، به تأیید چند تن از اساتید رسید. پایایی با روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۵ بدست آمد.

### یافته‌ها و نتایج:

در ادامه به منظور تصریح و بررسی چگونگی رابطه‌ی بین متغیرها، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است. همچنین برای آزمون نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط از رگرسیون همزمان به شیوه‌ی سلسه مراتبی استفاده شد که نتایج به صورت منسجم در دو جدول (جدول ۲، ۳) آورده شده است.

1. theistic
2. non-theistic
3. LeRoy
4. global religiousness
5. Sacred Qualities

جدول (۱). ماتریس همبستگی صفر مرتبه متغیرهای پژوهش

۳	۲	۱	
		۱	تاب‌آوری خانواده
	۱	۰/۵۷**	ارتباط خانواده
۱	۰/۲۷**	۰/۳۵**	معنویت خانواده
۴۶/۳۲	۶۴/۴۹	۴۴/۱۶	میانگین
۴۳/۲۹	۷/۳۹	۱۸/۰۱	انحراف معیار

\*\*P&lt;0/01, \*P&lt;0/05

نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که معنویت خانواده توانسته است رابطه معناداری را با متغیرهای کیفیت ارتباط در خانواده ( $r=0/57; p<0/01$ ) و همچنین تاب‌آوری ( $r=0/35; p<0/01$ ) خانواده ایجاد کند. معنویت خانواده به تنهایی توانسته است حدود ۱۲ درصد از پراکندگی تاب‌آوری و ۳۲ درصد از پراکندگی کیفیت ارتباط خانواده را تبیین کند. همچنین معنویت خانواده با سطح معناداری  $p<0/01$  و ضریب  $0/27$ ، می‌تواند  $0/07$  از پراکندگی ارتباط را تبیین کند.

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول (۱)، مفروضات بارون و کنی (۱۹۸۶؛ به نقل از قره باغی و وفايي، ۱۳۸۶) مبنی بر وجود رابطه بین متغیرهای پیش‌بین، واسطه‌ای و ملاک برای آزمون نقش واسطه‌ای صادق می‌باشند. بررسی مدل فرضی پژوهش از رگرسیون چندگانه به صورت همزمان مطابق با مراحل روش بارون و کنی (۱۹۸۶؛ به نقل از جوکار، ۱۳۸۶) استفاده شد. ابتدا رگرسیون تاب‌آوری خانواده روی معنویت و سپس رگرسیون تاب‌آوری خانواده روی معنویت و ارتباط خانواده محاسبه گردید. در پایان نیز ضرایب رگرسیون مرحله‌ی اول و دوم مقایسه شدند. اگر ضریب رگرسیون معنویت از مرحله‌ی یک به دو کاهش یابد، نشان‌دهنده‌ی نقش واسطه‌ای ارتباط در خانواده می‌باشد.

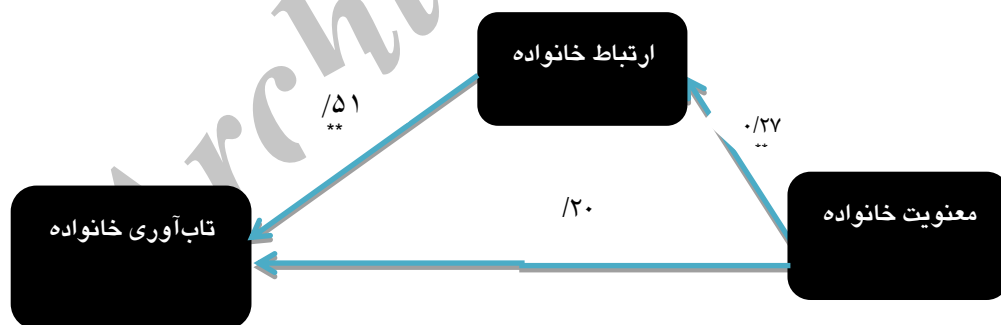
جدول ۳: مدل رگرسیون همزمان متغیرها روی تاب‌آوری

سطح معناداری	T	Beta	B خطای معیار	B	مدل
۰/۰۰۱	۷/۳۴	۰/۳۵	۰/۲۰	۰/۱۴	رگرسیون تاب‌آوری خانواده روی معنویت
۰/۰۰۱	۴/۹۴	۰/۲۰	۰/۰۸	۰/۰۸	رگرسیون تاب‌آوری خانواده
۰/۰۰۱	۱۲/۲۱	۰/۵۱	۰/۱	۱/۲۶	روی معنویت و ارتباط

۱. متغیر پیش‌بین؛ معنویت خانواده

۲. متغیر پیش‌بین؛ ارتباط و معنویت خانواده

ضریب مسیر (بتا) معنویت خانواده در وهله‌ی اول که به تنهایی وارد در معادله شده،  $0/35$  است که این مقدار وقتی که متغیر ارتباط در وهله‌ی دوم وارد در معادله می‌شود به  $0/20$  می‌رسد. اگر چه حتی با کنترل (وارد کردن) متغیر ارتباط هنوز رابطه‌ی بین معنویت خانواده و تاب‌آوری به طور معناداری باقی مانده است، اما این کاهش ضریب بتا را می‌توان دلیلی بر نقش واسطه‌ای ارتباط در رابطه‌ی معنویت خانواده و تاب‌آوری آن دانست. این یافته پاسخ مثبتی است به فرضیه‌ی پژوهش و تأییدی بر این موضوع است که حداقل بخشی از رابطه بین معنویت خانواده و تاب‌آوری آن از طریق ارتباط خانواده تبیین می‌شود. میزان اثر غیر مستقیم معنویت بر تاب‌آوری خانواده  $0/14 (0/27 * 0/51)$  محاسبه شد.



\*\*P<0/01, \*P<0/05

میزان اثر کلی:  $0/27 * 0/51 + 0/20 = 0/337$

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با ارزیابی این نکته که یا معنویت خانواده علاوه بر اثر مستقیم، از طریق کیفیت ارتباط نیز بر تاب‌آوری خانواده اثرگذار است یا خیر به انجام رسید. فرضیه‌ای که برای تأیید مدل پیشنهادی پژوهش مطرح شده بود، مورد تأیید قرار گرفت. با نگاهی به روابط موجود بین متغیرهای حاضر در پژوهش، متوجه می‌شویم که نتایج این تحقیق توانست حمایت مطلوبی از مفهوم‌سازی والش در باب تاب‌آوری خانواده به عمل آورد. معنویت و ارتباط از جمله‌ی عوامل مهم تاب‌آوری خانواده محسوب می‌شوند که روابط این دو باهم و با تاب‌آوری خانواده در مدل فوق به خوبی نشان داده شد. این مدل برخی از مهمترین مفاهیم مطرح شده در مدل والش را مخاطب قرار داده و سعی داشته با ارائه مسیری خطی، تلاشی هر چند کوچک در جهت پخته‌تر شدن مدل والش داشته باشد. در ادامه به منظور تصریح نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط، به تبیین و تفسیر هر یک از مسیرهای معنویت به ارتباط و ارتباط به تاب‌آوری خانواده پرداخته می‌شود.

تأیید مسیر معنویت خانواده به کیفیت ارتباط در این مدل را می‌توان همسو با نتایج پژوهش‌های فینچام، بیچ، لمبرت، استیلمن، و بریتویت، (۲۰۰۸)، لمبرت و دولهایت، (۲۰۰۶)، ویلیامز و لاولر (۲۰۰۳)، پین (۲۰۱۰) و روئر-استریر<sup>۱</sup> و سندس<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) دانست. اینکه چگونه و از چه طریقی معنویت در خانواده می‌تواند کیفیت ارتباط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد، مبحثی است که باید به آن پرداخته شود. برای پاسخ به این سؤال علاوه بر نگاه برون دینی و فرهنگی باید نگاهی به درون فرهنگ و جامعه‌ی خود نیز داشته باشیم.

معنویت همواره با معنا و معنایابی همراه بوده، جنبه‌ی بارز معنویت خانواده، باورها و ارزشهای همراه با آن است (والش، ۲۰۰۹). طبق پژوهش‌های صورت گرفته توسط پین (۲۰۱۰) و لمبرت و دولهایت (۲۰۰۸)، معنویت بر باورهای ارتباطی زوجین اثری معنادار دارد. از طرفی باورهای ارتباطی همواره نقش موثر در کیفیت ارتباط (گودوین<sup>۳</sup> و گینس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، خشنودی زناشویی (واقعی، و مظلوم، و احمدی، ۱۳۸۷) و سازگاری زناشویی و کارکرد خانواده (سیف و اسلامی، ۱۳۸۷) و همچنین دلدزدگی زناشویی (ادیب راد و اردیب راد، ۱۳۸۴) داشته است. بنابراین می‌توان این‌گونه تبیین کرد که معنویت خانواده با مکانیسم‌های خاص خود به نوعی، باورهای مثبت و کارآمدی را در اعضای خانواده پرورش می‌دهد و همچنین مانع از جای گرفتن باورهای مخرب ارتباطی در سیستم شناختی آنها می‌شود و از این طریق می‌تواند کیفیت ارتباط و همچنین زندگی خانوادگی را تحت

- 
- 1 . Roer-Strier
  - 2 . Sands
  - 3 . Goodwin
  - 4 . Gaines

تأثیر قرار دهد. انسانهای معنوی از آنجا که پیوند قوی‌تری با سرسلسله‌ی هستی دارند، در تعاملات خود با دیگران وجود خود را آلوده با مخربهای ارتباطی از قبیل تحقیر، سرزنش، بدگویی، فحش و ناسزا نمی‌کنند که در غیر این صورت امکانات لازم را برای اتصال با آن وجود برتر نمی‌یابند.

در فرهنگ اسلامی ایرانی ما همواره باید‌ها و نباید‌هایی در زمینه‌ی چگونگی برقراری ارتباط به خصوص در زندگی خانوادگی وجود داشته است که این امر بر کیفیت ارتباط افزوده و بازدارنده‌ی لازم را در زمانهای بروز مشکل ایجاد کرده است. در خانواده‌های معنوی اعضا بر اساس احترام متقابل با یکدیگر ارتباط برقرار کرده، کوچکترها با احترام اعضای بزرگتر به خصوص والدین را خطاب قرار داده و تکالیف و اعمال معنوی-مذهبی را به صورت دسته جمعی انجام می‌دهند. غیبت، تهمت، تحقیر، تمسخر، و... به دلیل تربیت مذهبی در این خانواده‌ها در حداقل قرار دارد که همه‌ی این موارد ارتباطی سالم و به دور عوامل مخرب را موجب می‌گردد.

همچنین ضریب مسیر کیفیت ارتباط به تاب‌آوری در مدل فوق از قدرت قابل توجهی برخوردار می‌باشد که این نشان از اهمیت ارتباط در خانواده برای قوام و دوام آن در رویارویی به مشکلات و بحرانها می‌باشد. این یافته نیز همسو با نتایج پژوهشهای کشتکاران(۱۳۸۸)، پین(۲۰۱۰)، هابر<sup>۱</sup> و همکاران(۲۰۱۰)، کویل و همکاران(۲۰۰۹)، والش(۲۰۰۷) و مک‌کری و دنسی(۲۰۰۴) می‌باشد. تحقیقات گاتمن نشان می‌دهد که کیفیت ارتباط مناسب سهم عمده‌ای در بقا و دوام زندگی خانوادگی ایفا می‌کند(گاتمن و نوتایوس، ۲۰۰۰). حجم عمده ادبیات پژوهشی صورت گرفته در مورد کیفیت ارتباط در خانواده نیز مؤید این نکته می‌باشد که ثبات ازدواج و زندگی خانوادگی در گرو ارتباطی مناسب و در خور بین اعضا می‌باشد. قطعاً خانواده‌ای که در آن اعضا نمی‌توانند احساسات، مقاصد، و هیجانات خود را با یکدیگر در میان بگذارند، نمی‌تواند کارکرد مناسبی در مواجهه با مشکلات داشته باشد.

در مواقع بحران نظام خانواده به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ارتباط در خانواده می‌تواند نقش عامل حمایتی در حفظ نظام خانواده را بازی کند. این نکته‌ای است که والش(۲۰۰۶) و بارنز و اولسون(۱۹۸۵) به خوبی از آن در مدلسازی‌های خود برای تاب‌آوری خانواده استفاده کرده‌اند. به اعتقاد بارنز و السون(۱۹۸۵)، ارتباط مکانیسمها خانواده را برای اشتراک ترجیحات، نیازها، و احساساتشان بکار می‌گیرد. ارتباط به عنوان بعد تسهیل‌گر و پویای نظام خانواده در نظر گرفته می‌شود که نقشی حیاتی را در کمک به خانواده برای حرکت به سمت دو بعد انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده ایفا می‌کند. ارتباط مثبت حرکت در سطوح مختلف سازمان خانواده را

1. Huber

تسهیل می‌کند و فقدان مهارت‌های ارتباط یا ارتباط منفی مانع از آن می‌شود که سیستم خانواده توانایی تغییر در سطوح انسجام و انعطاف‌پذیری داشته باشد. ارتباط صحیح می‌تواند نقشی اساسی در جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده در مواقع بحران و مشکل داشته باشد. با توجه به به مباحث مطرح شده در مورد اثرگذاری معنویت خانواده بر کیفیت ارتباط در آن، به نظر می‌رسد که معنویت می‌تواند در مواقع بحران و چالش، با ارتقاء سطح کیفیت ارتباط در خانواده، تسهیل حرکت خانواده به سمت انسجام و یا انعطاف‌پذیری را موجب شده، و از این طریق به حفظ کارکرد مناسب خانواده‌ها کمک کند.

بنابراین همان‌طور که گفته شد، ارتباط از کلیدی‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در کیفیت زندگی خانوادگی است که به راحتی نیز تحت تأثیر عوامل دیگر قرار می‌گیرد. در بین متغیرهای مربوط به خانواده، ارتباط اثرپذیری و اثرگذاری قابل ملاحظه‌ای دارد. خانواده‌ای که معنویت در آن جریان دارد توسط مکانیسم‌هایی که پیش‌تر توضیح داده شد کیفیت ارتباط بهتری بالاتری را تجربه می‌کنند و از این طریق می‌توانند در زمانهای بحران و تنش، کارکرد مناسبی داشته باشند و به رشد خود ادامه دهند.

در مدل فوق با ورود متغیر واسطه‌ای مسیر مستقیم معنویت خانواده به تاب‌آوری آن هم‌چنان معناداری خود را حفظ کرد. این نتیجه را می‌توان در پژوهش‌های دوتی (۲۰۰۳)، گریف و لویسر (۲۰۰۷)، بالدوین و جکسون و آکن و کنن (۲۰۱۱)، کویل و ناچجسکی و مگوین و سافیر و دی وایت و مک دونالد (۲۰۰۹)، تراوندی و گرسی و گیل و مارتینس و ونتورا و بیاراداس (۲۰۱۰)، هکبارث و پاوکف و فلنری (۲۰۱۱) نیز مشاهده کرد. در این پژوهش‌ها گزارش‌هایی از رابطه متغیرهای مذکور به چشم می‌خورد.

برای بررسی چرایی رابطه‌ی مستقیم بین معنویت و تاب‌آوری خانواده می‌توان گفت که در بعد شناختی، خانواده‌های معنوی و مذهبی الگوهای ارزشی و اعتقادی خاصی را در مورد ازدواج و زندگی خانوادگی در خود می‌پروراندند. الگوهایی مثل خداوند به عنوان سومین ریسمان (نگهدارنده) زندگی زناشویی و باور به ازدواج به عنوان یک پیمان مذهبی که می‌تواند و بایستی ادامه یابد، معنایی متعالی در تعهد به زندگی خانوادگی، به تأیید برخی محققان (لمبرت و دولایت، ۲۰۰۸) رسیده‌اند. استعاره‌ی سومین ریسمان، برای اعتقاد به خدا به این دلیل است که در صورت اشتباه هر یک از زوجین ممکن است که ارتباط و زندگی زناشویی به راحتی قطع شود. ولی با حضور ریسمان سوم دوام و بقای ازدواج به مراتب بیشتر می‌شود. برخی از زوج‌ها معتقدند که این پیوند سه‌گانه ممکن نیست که به راحتی پاره شود. این باور تأثیر زیادی بر دوام و پایداری زندگی خانوادگی دارد (لمبرت و دوله‌ایت، ۲۰۰۸).

مهمترین محدودیت در این پژوهش عدم ابزار مناسب داخلی بود که متناسب با فرهنگ داخلی هنجار شده باشد. گرچه در این پژوهش سعی شد شواهدی مبنی بر روایی و پایایی ابزار مورد استفاده ارائه گردد، اما ابزارهای مورد استفاده، نیازمند بررسی بیشتر در این زمینه‌ها می‌باشند. جستجوهای گسترده پژوهشگر چه در منابع داخلی و چه در خارجی منجر به یافتن ابزار مناسب و دقیقی که بتواند مستقیماً مفهوم معنویت خانواده را مورد سنجش قرار دهد، نشد. از این رو، سعی گردید نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین ابزاری که تقریباً با مفهوم سازی مورد نظر منطبق بود، مورد استفاده قرار گیرد.

مدل والش به عوامل دیگری از جمله عوامل سازمانی برای پرورش تاب‌آوری خانواده نیز اشاره می‌کند که در این پژوهش آورده نشده‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود که به بررسی و آزمون آن متغیرها در داخل کشور نیز پرداخته شود. قطعاً پژوهش‌های مبتنی بر آزمون نظریه می‌توانند در بومی ساختن دانش مربوط به خانواده مؤثر باشد.

#### منابع

- ادیب راد، ن؛ ادیب راد، م. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک. تازها و پژوهش‌های مشاوره. شماره ۱۳، صص ۹۹-۱۱۰.
- جوکار، ب. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه‌ی بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. روانشناسی معاصر. دوره ۱ دوم، شماره ۴، زمستان ۸۶، صص ۳-۱۲.
- ستیر، ویرجینیا. (۱۹۸۷). آدم‌سازی. ترجمه‌ی بهروز بیرشک (۱۳۸۴). تهران؛ انتشارات رشد، چاپ ششم.
- سیف، س؛ اسلامی، م. (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده. اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۱۴، صص ۹۹-۱۳۰.
- غباری بناب، ب.، سلیمی، م.، سلیمانی، ل.، نوری مقدم، ث. (۱۳۸۶). هوش معنوی. فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی اندیشه‌ی نوین دینی. سال سوم، شماره دهم، پاییز ۸۶، صص ۱۲۵-۱۴۷.
- قره‌باغی، ف.، وفایی، م. (۱۳۸۶). ایمنی هیجانی در خانواده و نشانه‌های آسیب‌شناختی روانی و سلامت کودک: بررسی نقش واسطه‌ای و تعدیل‌کننده خلق کودک. پژوهش در سلامت روان، دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۸۶، صص ۵-۱۸.
- کشتکاران، ط. (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۳۹، صص ۶۹-۸۸.
- مینوچین، سالوادور. (۱۳۸۳). خانواده و خانواده درمانی. (ترجمه‌ی ثنایی، باقر). تهران؛ امیرکبیر.
- نظری، علی محمد. (۱۳۸۸). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران: علم.
- واقعی، س؛ مظلوم، سید رضا؛ احمدی، س. ح. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط میان خشنودی زناشویی با باورهای ارتباطی زناشویی در پرستاران متاهل شاغل در بیمارستانهای دانشگاهی شهر مشهد. علمی - پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، شماره ۱۹، بهار ۸۷، ۴۳-۴۹.

Anderson. H.(2009). a Spirituality for Family living. In Walsh. F. (2009). Spiritual Resource in Family therapy. New York: Guilford Press.

- Antonovsky, A., & Sourani, T. (1988). Family sense of coherence and family adaptation. *Journal of Marriage and the Family*, 50, 79-92.
- Baldwin, D. R. & Jackson, D. & Okoh, I. & Cannon, R. L. (2010). Resiliency and Optimism: An African American Senior Citizen's Perspective. *Journal of Black Psychology*, 37: 24- 41.
- Barnes, H. L. & Olson, D. H. (1985). Parent-Adolescent Communication and the Circumplex Model. *Child Development*, Vol. 56, No. 2. 438-447.
- Beavers, W. R., & Hampson, R. B. (۲۰۰۰). The Beavers Model of Family Functioning. *The Journal of Family Therapy*, 22: 128-143.
- Boss, P. (1999). *Ambiguous loss: Learning to live with unresolved grief*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Coyle, J. P. & Nochajski, T. & Maguin, E. & Safyer, A. & DeWit, D. & Macdonald, S. (2009). An Exploratory Study of the Nature of Family Resilience in Families Affected by Parental Alcohol Abuse. *Journal of Family Issues*. Vol XX, pp. 1-18.
- DeMaris, A. & Mahoney, A. & Pargament, K. I. (2010). Sanctification of Marriage and General Religiousness as Buffers of the Effects of Marital Inequity. *Journal of Family Issues*, 31: 1255-1278.
- Doty, T. R. (2003). *Resiliency and Religion/Spirituality: A Factor in Families Coping With Multiple Crises*. Doctoral dissertation, Southern Christian University, Alabama.
- Fincham, F. D., Beach, S. R. H., Lambert, N. M., Stillman, T., & Braithwaite, S. R. (2008). Spiritual behaviors and relationship satisfaction: A critical analysis of the role of prayer. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 27, 362-388.
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (1999). Conflict in marriage: Implications for working with couples. *Annual Review of Psychology*, 50, 47-77.
- Gottman, J.M. and Notarius, C.I., (2000). Decade review: Observing marital interaction, *Journal of Marriage & the Family*, 62(4), 927-947;
- Greeff, A. P. & Loubser, K. (2007). Spirituality as a Resiliency Quality in Xhosa-speaking Families in South Africa. *J Relig Health* 47:288-301.
- Goodwin, R. & Gaines, S. O. (2004). Relationships beliefs and relationship quality across cultures: Country as a moderator of dysfunctional beliefs and relationship quality in three former Communist societies. *Personal Relationships*, 11; 267-279.
- Huber, C. H. & Navarro, R. L. & Womble, M. E. & Mumme, T. L. (2010). Family Resilience and Midlife Marital Satisfaction. *The Family Journal*. 2010; 18; 136- 145.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations*; 55, 439-449.
- Lambert, N. M. & Dollahite, D.C. (2008). The Threefold Cord : Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*. 2008 29: 592- 614.
- LeRoy, M.A. (2009). *The Role of Sanctification of Parenting in Married Couples' Perceptions of Co-parenting*. Degree of Master of Arts, Bowling Green State University.
- Luthar, S. S. & Cicchetti, D. & Becker, B. (2000). Research on Resilience: Response to Commentaries. *Child Development*. Vol. 71, No. 3 , pp. 573-575.
- McCreary, L. L. & Dancy, B. L. (2004). Dimensions of Family Functioning: Perspectives of Low-Income African American Single Parent Families. *Journal of Marriage and Family*, Vol. 66, No. 3 (Aug., 2004), pp. 690-701.



- McGoldrick, M., Giordano, J., & Garcia-Preto, N. (Eds.). (2005). *Ethnicity and family therapy* (3rd ed.). New York: Guilford Press.
- Miller, I. W., Ryan, C. E., Keitner, G. I., Bishop, D. S., & Epstein, N. B. (2000). The McMaster approach to families: Theory, assessment, treatment and research. *Journal of Family Therapy*, 22, 168-189.
- Olson, D. H., & Barns, H. (2004). *Family communication*. Minneapolis, Life innovations, Inc.
- Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144 - 167.
- Payne, P. B. (2010). *Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Cocreation of spiritual beliefs During The Early Years of Marriage*. Doctoral dissertation, Northon School of Family And Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.
- Roer-Strier, D. & Sands, G. S. (2001). The Impact of Religious Intensification on Family Relations: A South African Example. *Journal of Marriage and Family*, Vol. 63, No., pp. 868-880.
- Segrin, C. & Geanne, F. (2005). *Family Communication*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Simon, J. B. & Murphy, J. J. & Smith, S. M. (2005). Understanding and Fostering Family Resilience. *The Family Journal*; 13; 427-436.
- Sixbey, D. M. (2005). *Development of the family resilience assessment scale to identify family resilience constructs*. Doctoral dissertation, School of Counselor Education, University of Florida.
- Smith, K. M. & Freeman, P. A. & Zabriskie, R. B. (2009). An Examination of Family Communication Within the Core and Balance Model of Family Leisure Functioning. *Family Relations*, 58: 79-90.
- Smith, a. I., & harkness, J. (2002). Spirituality and meaning: a qualitative inquiry with caregivers of alzheimer's disease. *Journal of Family Psychotherapy*, 13, 1-2, 87-108.
- Stanley, S. M. (2005). *The power of commitment: A guide to active, lifelong love*. San Francisco: Jossey-Bass, Inc.
- Walsh, F. (2009). *Spiritual Resource in Family therapy*. New York: Guilford Press.
- Walsh, F. (2006). *Strengthening family resilience*. New York: Guilford Press.
- Walsh, F. (2002). A Family Resilience Framework: Innovative Practice Applications. *Family Relations*; Vol. 51, No. 2.
- Williams, L. M. & Lawler, M. G. (2003). Marital Satisfaction and Religious Heterogamy : A Comparison of Interchurch and Same-Church Individuals. *Journal of Family Issues*, 24: 1070- 1092.
- Zapf, M. K. (2005). The spiritual dimension of person and environment: Perspectives from social work and traditional knowledge. *International Social Work*; 48; 633.